

شصت سال صبوری و شکوری

خاطرات دکتر ابراهیم یزدی

جلد دوم

هجده سال در غربت

یزدی، ابراهیم، ۱۳۱۰، شصت سال صبوری و شکوری (خاطرات دکتر ابراهیم یزدی)،

جلد دوم، هجده سال در غربت، تهران، کویر، ۱۳۹۴.

ISBN: 978-964-214-110-4

۹۲۰ ص. مصور.

فیفا. نمایه. خاطرات دکتر ابراهیم یزدی. ایران - تاریخ.

۹۵۵/۰۸۳

DSR ۱۵۶۸/۴۳

۳۵۳۷۶۹

شماره کتابشناسی ملی:

www.ketab.ir



شصت سال صبوری و شکور

(خاطرات دکتر ابراهیم یزدی، جلد دوم «هجده سال در غرب»)

دکتر ابراهیم یزدی

- طراح جلد: سعید زاشکانی • حروفنگار و صفحه‌آرا: انتشارات کبیر • طبع و نشر: ۱۳۹۴
- لیتوگرافی و چاپ: غزال • صحافی: صحافی علی • شمارگان: ۱۱۰۰ • قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

ISBN: 978-964-214-110-4 • Email: kavirbook@gmail.com

- نشانی: تهران، کریم‌خان زند، ابتدای قائم‌مقام فراهانی، کوی یکم، شماره ۲۰، ساختمان کویر
- کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۳ • تلفن: ۸۸۳۰۱۹۹۲ - ۹ و ۸۸۳۴۲۶۹۸ • نمابر: ۸۸۳۴۲۶۹۷

• تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است

فهرست

۱۹	 سخن ناشر
۲۱	 مقدمه
۲۹	 فصل اول: فعالیت‌های علمی - تخصصی
۲۹	 ۱. در زمینه تکنولوژی ماساچوست (MIT)
۳۸	 ۲. در دانشگاه بری در کنسون - نیوجرسی
۴۲	 ۳. در مؤسسه ملی بهداشت و گذراندن دوره‌های تخصصی
۴۵	 ۴. پژوهش درباره مردان زیر ذرات ایزوتوپ پنبه کوهی
۵۳	 ۵. رها کردن دانشگاه و خروج از آمریکا
۵۳	 ۶. در دانشکده پزشکی بیلور - مریلند - تکزاس
۵۶	 ۷. شناخت مولکولی سرطان
۶۳	 ۸. در بیمارستان وی - ای
۶۶	 ۹. دعوت دانشکده پزشکی ایران
۶۸	 پیوست‌های فصل اول
۹۷	 فصل دوم: فعالیت‌های اسلامی
۹۷	 مقدمه
۹۹	 ۱. همکاری با سازمان خدمات اسلامی
۱۰۰	 ۲. همکاری با انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا
۱۰۴	 ۳. اخراج سفرای شاه از کنگره سالانه انجمن اسلامی دانشجویان در ...
۱۱۵	 ۴. امت اسلام یا مسلمانان سیاه
۱۲۰	 ۵. دیدار با مالکم ایکس
۱۲۱	 ۶. تأسیس جامعه اسلامی کلان‌شهر هیوستون
۱۲۵	 ۷. در مؤسسه مذهب

۸. معبد راسکو (راسکوچاپل) ۱۲۷
۹. اولین مسجد تکزاس ۱۳۰
۱۰. اسلام در رسانه‌ها ۱۳۲
۱۱. در زندان‌های تکزاس ۱۳۴
۱۲. تهیه قرآن برای زندانیان ۱۴۱
۱۳. همایش اسلامی در دانشگاه هیوستون ۱۴۶
۱۴. نشریه‌ی «صدای اسلام» ۱۴۷
۱۵. عبدالباسط قاری مصری در هیوستون ۱۴۸
۱۶. مؤسسه‌ی بی‌ای در هیوستون ۱۴۸
۱۷. خدمات پزشکی به بیماران مسلمان در مرکز پزشکی ۱۴۸
۱۸. ناسا و اسلام ۱۵۰
۱۹. شورای آموزش شرع و تعویض کتاب‌ها ۱۵۲
۲۰. همگرایی یا واگرایی: شیعیان از ستیان ۱۵۳
۲۱. خانواده‌ی سرخ‌پوست مسلمان در هیوستون ۱۵۹
۲۲. شرکت در همایش‌های بین‌المللی ۱۶۰
۲۳. انجمن اسلامی پزشکان آمریکا و کانادا ۱۶۱
۲۴. انجمن علمای جامعه‌شناس مسلمان در آمریکا ۱۶۳
۲۵. شورای اسلامی امریکای شمالی ۱۶۳
۲۶. پرسش‌های مذهبی مرکز پزشکی مایو و پاسخ آن‌ها ۱۶۵
۲۷. انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا - گروه فارسی‌زبان ۱۷۱
۲۸. انجمن اسلامی دانشجویان و فعالیت سیاسی ۱۷۴
۲۹. همکاری با اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و ۱۸۷
۳۰. انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا - گروه فارسی‌زبان و ۱۸۹
۳۱. سرنوشت انجمن‌ها بعد از انقلاب ۱۹۰
۳۲. مؤسسه‌ی غیرانتفاعی فیلینک ۱۹۱
۳۳. دفتر پخش کتاب ۱۹۵

۱۹۸	۳۴. خانهدی اسلام واشنگتن
۲۰۰	۳۵. پروژه گل سرخ
۲۰۱	۳۶. مشارکت در طرح سرحدی زاده
۲۰۳	۳۷. چاپخانه آرم
۲۰۴	۳۸. واحد هنری
۲۰۵	۳۹. بنیاد طاهر
۲۰۷	۴۰. بهانه مشترک قم - دانشگاه تمپل
۲۰۸	۴۱. ارتباط با سازمانهای اسلامی
۲۰۹	۴۱/۱. حزب سبز آمریکا شمالی
۲۱۰	۴۱/۲. نهضت اسلام جوانان آفریقای جنوبی
۲۱۱	۴۱/۳. حزب اسلامی نسبت ترکیه به رهبری اربکان
۲۱۲	۴۱/۴. شورای عالی روابط اسلام
۲۱۳	۴۲. در دادگاههای آمریکا
۲۱۸	۴۳. دیدارهای سیاسی - دینی در سیوستون
۲۲۷	پیوست های فصل دوم
۲۹۳	فصل سوم: فعالیت های سیاسی
۲۹۳	بخش اول: جبهه ملی ایران - شاخه آمریکا
۲۹۳	۱. تأسیس جبهه ملی
۲۹۹	۲. اولین کنگره جبهه ملی
۳۰۰	۳. تظاهرات ۸ فوریه ۱۹۶۳ (بهمن ۱۳۴۲)
۳۰۱	۴. نامه به روزنامه ها و مجلات
۳۰۱	۵. دومین کنگره جبهه ملی
۳۰۵	۶. راه اندازی چاپخانه
۳۰۸	۷. نامه به دکتر مصدق و ارتباط با ایران
۳۰۹	۸. گزارش مبارزات دانشجویان ایرانی توسط اتحادیه های ملی دانشجویان
۳۱۰	پیوست های بخش اول - جبهه ملی شاخه آمریکا

بخش دوم: نهضت آزادی ایران - خارج از کشور (۱۳۴۱-۱۳۵۷) ۳۴۷

۱. سازماندهی ۳۴۷

۲. نشریه‌ی پیام مجاهد ۳۵۶

۳. خبرنامه ۳۵۷

۴. انتشار کتب سیاسی ۳۶۲

۵. ارتباط با سازمان مجاهدین خلق اولیه ۳۶۲

۶. جنبش ضد جنگ در آمریکا و مسئله‌ی ایران ۳۶۹

۷. هجرت و شهادت دکتر شریعتی ۳۷۹

۸. دیدار از جنگ با آیت الله مطهری در لندن ۳۹۲

۹. سفر به لبنان ۳۹۳

۱۰. مسافرت ۴۰۱

۱۱. نشست مشترک نمایندگان نهضت آزادی از داخل و خارج ۴۱۳

۱۲. یادى از شهید مجید توکلی ۴۲۲

پیوست‌های بخش دوم ۴۲۷

بخش سوم: سازمان مخصوص اتحاد و عمل (ماع) ۴۴۰

۱. مطالعات، بررسی‌ها و امکانات ۴۴۰

۲. خروج از آمریکا - جولای ۱۹۶۴ - تیرماه ۱۳۴۳ ۴۵۱

۳. استقرار در قاهره ۴۵۳

۴. قالی‌اهدایی نهضت مقاومت ملی ایران در شهر بیروت - سده ۴۶۱

۵. تماس با دبیرخانه‌ی سازمان همبستگی ملل آسیا و آفریقا ۴۶۲

۶. بازداشت در فرودگاه بیروت ۴۶۳

۷. استقرار در لبنان ۴۶۴

۸. مشکل رانندگی در لبنان ۴۶۴

۹. روابط با خسرو قشقایی ۴۶۶

۱۰. ترخیص ماشین و فروش آن ۴۷۰

۱۱. خروج از مصر و قطع رابطه ۴۷۱

۴۷۷	۱۲. توقف فعالیت‌های سماع و انحلال آن
۴۷۸	۱۳. کمک‌های دولت مصر به فعالیت‌های سماع
۴۸۰	۱۴. خروج از منطقه - بازگشت به امریکا
۴۸۲	پیوست‌های بخش سوم
۵۰۰	بخش چهارم: ارتباط با علمای نجف - دیدارها و گفتگوها
۵۰۰	۱. ضرورت تماس، گفتگو و همکاری
۵۰۵	۲. آغاز تماس و ارتباط
۵۰۷	۳. اولین سفر به نجف
۵۰۹	۴. اولین دیدار و گفتگو با آیت‌الله خویی
۵۱۱	۵. دیدار با آقای دکتر محمد صادقی
۵۱۴	۶. دومین دیدار و گفتگو با آیت‌الله خویی
۵۱۶	۷. دیدار با آیت‌الله امینی
۵۱۷	۸. آشنایی با آقای محمد خلیلی
۵۱۸	۹. دیدار با آیت‌الله غروی و آیت‌الله خراسانی
۵۲۱	۱۰. دیدار با حاج سید مصطفی علوی کاشانی
۵۲۱	۱۱. نامه به آیت‌الله خویی
۵۲۲	۱۲. مؤتمر علمای اسلام در قاهره
۵۲۳	۱۳. سومین دیدار و گفتگو با آیت‌الله خویی
۵۲۶	۱۴. ادامه ارتباط: دیدار و گفتگوی آقای مهندس توسلی با آیت‌الله خویی
۵۲۷	۱۵. روابط دولت عراق و علمای نجف
۵۳۲	۱۶. انتقال آیت‌الله خمینی به نجف
۵۳۵	۱۷. دیدار و گفتگو با آیت‌الله خمینی
۵۳۵	۱۸. دیدار و گفتگو میان آیت‌الله خمینی و آیت‌الله حکیم
۵۳۸	۱۹. خرابکاری در کربلا
۵۳۹	۲۰. گزارش دیدار و گفتگوی آقای مهندس توسلی با آیت‌الله خمینی
۵۳۹	۲۱. گزارش مهندس توسلی از بغداد

۵۴۳	۲۲. معرفی رهبر حزب اسلامی آمریکا به آیت‌الله خمینی
۵۴۴	۲۳. ارسال گزارش بخشی از فعالیت‌ها برای آیت‌الله خمینی
۵۴۴	۲۴. بیماری مودودی
۵۴۵	۲۵. نمایندگی آیت‌الله خمینی
۵۴۷	۲۶. سفر به کویت
۵۴۸	۲۷. پیامدهای تفاهم‌نامه ایران و عراق
۵۵۰	۲۸. فشار بر ایرانیان و آیت‌الله خمینی
۵۵۳	۲۹. حفظ ارتباط با نجف
۵۵۴	۳۰. کتاب آیت‌الله خمینی
۵۵۴	۳۱. فیلم «ممد رسول‌الله (ص)»
۵۵۵	۳۲. پاسخ به کتاب نامه
۵۵۵	۳۳. دیدار با آیت‌الله سید محمدباقر صدر
۵۵۷	۳۴. درگذشت حاج آقا مصطفی خمینی
۵۵۸	۳۵. کمک مالی به اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویان در اروپا
۵۵۹	۳۶. مصاحبه لوموند با آیت‌الله خمینی
۵۶۰	۳۷. درباره آیت‌الله سید حسن شیرازی
۵۶۲	پیوست‌های بخش چهارم
۵۷۰	بخش پنجم: ارتباط با امام موسی صدر و شیعیان لبنان
۵۷۰	۱. تجدید خاطرات و روابط در صور
۵۷۳	۲. تأسیس انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه بیروت
۵۷۴	۳. برنامه تأسیس بیمارستان
۵۷۵	۴. مدرسه مهندسی جبل العامل صور
۵۷۷	۵. سفر به بیروت، فوریه ۱۹۷۷ (۱۳۵۵)
۵۷۹	۶. مذاکرات با امام موسی صدر
۵۷۹	۷. مؤسسه تحقیقات یا دراسات مجلس اعلی شیعیان
۵۸۲	۸. دکتر ضرابی و درمانگاه امام حسین (مستوصف الحسین)

.....	۵۸۶	۹. سفر به خاورمیانه: دسامبر ۱۹۷۶ - ژانویه ۱۹۷۷
.....	۶۰۴	۱۰. طرحی برای سازماندهی فعالیت‌های شیعیان لبنان
.....	۶۰۹	۱۱. گزارش سفری دیگر به لبنان
.....	۶۱۲	۱۲. جنگ در اقلیم جنوب
.....	۶۱۶	بخش ششم: ارتباط با فلسطینیان
.....	۶۱۶	۱. شرکت در تظاهرات همدردی با مردم فلسطین
.....	۶۱۶	۲. همکاری با مرکز «بحوث» یا دراسات فلسطینی
.....	۶۱۹	۳. دیدار با رهبران سازمان آزادی بخش فلسطین
.....	۶۲۱	۳/۱ دیدار و گفتگو با منیر شفیق
.....	۶۲۷	۳/۲ در صبرا و شتیلا - دیدار با ابو جهاد
.....	۶۲۷	۳/۳ دیدار با یاسر عرفات در صبرا و شتیلا
.....	۶۳۰	۳/۴ دیدار و مذاکره با الفاهوم
.....	۶۳۱	۳/۵ دیدار با رفیق شرف
.....	۶۳۱	۴. اجلاس مجلس ملی فلسطین
.....	۶۳۲	۵. گزارشی از آشفته بازار مناسبات احزاب و مقاومت در لبنان
.....	۶۳۷	فصل چهارم: همگامی و همدردی با ملت ایران
.....	۶۳۷	مقدمه. نقش ایرانیان خارج از کشور در مبارزات ملی
.....	۶۳۹	بخش اول: تظاهرات، راه‌پیمایی‌ها، اعتصاب‌ها و بست‌نشستن‌ها
.....	۶۴۰	۱. تظاهرات در برابر کاخ سازمان ملل
.....	۶۴۱	۲. جشن نوروزی در واشنگتن
.....	۶۴۲	۳. اعتراض به انتخابات مخدوش
.....	۶۴۲	۴. راه‌پیمایی اعتراض - از دانشگاه کلمبیا تا سازمان ملل
.....	۶۴۳	۵. تظاهرات علیه شاه در سانفرانسیسکو
.....	۶۴۳	۶. اعتراض به حمله نیروهای نظامی به دانشگاه تهران
.....	۶۴۳	۷. اعتراض به فراندوم شاه

۶۴۴	۸. بست نشستن در سفارت ایران
۶۴۵	۹. کنفرانس مطبوعاتی
۶۴۵	۱۰. تحصن در معبد سازمان ملل متحد
۶۴۸	۱۱. راهپیمایی ۹۰ کیلومتری
۶۵۰	۱۲. تحصن مجدد در سفارت ایران در واشنگتن
۶۵۱	۱۳. سفر شاه به آمریکا در خرداد ۱۳۴۳
۶۵۵	۱۴. راز یک بلیون دلار
۶۵۷	۱۵. توسعه فعالیت‌ها
۶۵۸	۱۶. تظاهرات و اعتصاب غذا در اکتبر ۱۹۷۶ (آذر ۱۳۵۵)
۶۶۰	۱۷. عملیات «درس صمدیه کُتاف»
۶۶۱	۱۸. عملیات «مدی» در واشنگتن و هیوستون
۶۶۱	۱۹. کشتار ۱۷ شهریور، تظاهرات، واشنگتن - شهریور ۱۳۵۷
۶۶۲	۲۰. آخرین تظاهرات اعتراض ۳ آبان‌ماه ۱۳۵۷
۶۶۴	بخش دوم: اقدامات دفاعی
۶۶۴	مقدمه
۶۶۹	۱. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد
۶۶۹	۲. اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر
۶۷۵	۳. فدراسیون جهانی حقوق بشر
۶۷۵	۴. همکاری با جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر
۶۸۰	۵. سازمان عفو بین‌الملل
۶۸۳	۶. شورای جهانی کلیساها
۶۸۴	۷. صلیب سرخ بین‌المللی
۶۸۵	۸. اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا
۶۸۵	۹. کمیسیون بین‌المللی قضات
۶۸۶	۱۰. گزارش سازمان عفو بین‌المللی - بخش فرانسه
۶۸۶	۱۱. شرکت در نشست سالانه عفو بین‌الملل - شاخه فرانسه

۱۲.	گزارش فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر - عباس شیبانی و محمد مقیدی	۶۸۷
۱۳.	انجمن فرانسوی دوستی و همبستگی با مردم ایران	۶۸۷
۱۴.	تریبون بین‌المللی راسل	۶۸۸
۱۵.	جبهه مترقی فرانسه	۶۸۸
۱۶.	کمیته‌ی خدمات موحدین جهانی	۶۸۹
۱۷.	انجمن ناشران آمریکا	۶۹۱
۱۸.	ایرام ناظران بین‌المللی به ایران	۶۹۱
۱۹.	اعلامیه‌ی ناظران بین‌المللی	۶۹۲
۱/۱۹.	گزارش بولد - وکیل و ناظر اعزامی به ایران	۶۹۲
۲/۱۹.	اعلامیه مشترک سازمان‌های بین‌المللی درباره زندانیان سیاسی ایران	۶۹۳
۳/۱۹.	گزارش بین‌المللی	۶۹۴
۴/۱۹.	اعلامیه‌ی ناظران بین‌المللی	۶۹۴
۲۰.	اعزام مجدد ناظران بین‌المللی به ایران	۶۹۴
۲۱.	شکنتجه در ایران	۶۹۵
۲۲.	مقاومت در مقابل خشونت	۶۹۵
۲۳.	کنگره‌های بین‌المللی	۶۹۶
۲۴.	دفاع از اعضای حزب ملل اسلامی	۶۹۶
۲۵.	نامه‌ی روحانیون مبارز به کمیسیون حقوق بشر	۶۹۷
۲۶.	جلب همکاری روشنفکران آمریکا	۶۹۸
۲۷.	انجمن جهانی خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی ایران	۷۰۱
۲۸.	نامه خانم مارگریت مید درباره نقض حقوق بشر در ایران	۷۰۲
۲۹.	کمیته‌ی صلح و عدالت	۷۰۲
۳۰.	یادی از حسین آوا	۷۰۳
	پیوست‌های فصل چهارم	۷۰۵
	فصل پنجم: ساواک و ایرانیان مبارز خارج از کشور	۷۷۷
	مقدمه	۷۷۷

۷۷۷	۱. مهار سازمان دانشجویان ایرانی
۷۷۸	۲. خرید مطبوعات، رسانه‌ها و شخصیت‌ها
۷۷۹	۳. تأسیس اداره‌ی مستقل ساواک در آمریکا
۷۸۰	۴. تلاش برای نفوذ در سازمان‌های دانشجویی و احزاب
۷۸۲	۵. امنیت ارتباطات
۷۸۷	۶. توجیه امنیتی دانشجویان
۷۸۸	۷. جشن‌های ۲۵۰۰ ساله
۷۹۰	۸. خودداری از تمدید گذرنامه‌ها و توقیف آنها
۷۹۲	۹. پرونده‌سازی و تهدید و ترور
۷۹۵	۹/۱. ترور صادق قطب‌زاده
۷۹۹	۹/۲. ترور دکتر چمران
۸۰۲	۹/۳. معاکه‌ی غیاث و دستور بازداشت من
۸۰۳	۱۰. آتش زدن دفتر کا
۸۰۵	۱۱. تبلیغات علیه سازمان‌ی حقوق بشر
۸۰۷	۱۲. جنگ سیاسی - روانی - تحصیتی
۸۱۰	پیوست‌های فصل پنجم
۸۲۱	فصل ششم: خانواده
۸۲۱	۱. سفر خانواده به آمریکا
۸۲۳	۲. استقرار در مورستون - نیوجرسی
۸۳۲	۳. نقاشی‌های همسر
۸۳۴	۴. دکتر چمران و خانواده در نیوجرسی
۸۳۵	۵. خروج از آمریکا
۸۳۶	۶. مشکل برگشت خانواده به ایران
۸۳۹	۷. استقرار در قاهره
۸۴۰	۸. دیدار همسر با پدرش
۸۴۲	۹. انتقال خانواده به بیروت

۸۴۲	۱۰. روابط خانوادهم با خانواده‌ی امام موسی صدر
۸۴۳	۱۱. دیدار با اکرم حریری
۸۴۴	۱۲. سفر به بیت المقدس و زیارت مسجد الاقصی
۸۴۶	۱۳. بازگشت به امریکا
۸۴۸	۱۴. سفر همسر به ایران
۸۴۹	۱۵. حرکت به هیوستون - تکزاس
۸۵۱	۱۶. بازگشت همسر و خرید خانه
۸۵۴	۱۷. سفر خانوادگی به نیومکزیکو
۸۵۴	۱۸. سفر مادر و پدر به آمریکا
۸۶۰	۱۹. مشارکت خانوده در فعالیت‌های اسلامی
۸۶۲	۲۰. سفر مادر همسر به آمریکا و درگذشت او
۸۶۲	۲۱. سفر همسر به حج
۸۶۳	۲۲. سفر به پاریس - نوفل لوشاتو
۸۶۳	۲۳. لوح تقدیر برای همسر
۸۶۵	پیوست‌های فصل ششم
۸۷۳	نمایه

سخن ناشر

داستان تاریخ و حوادث و وقایع تاریخی چنان سرشار از پیچیدگی‌ها و رمز و رازهاست که نمی‌توان انتظار داشت به اجماعی همه‌جانبه در توجیه و تفسیر حوادث و وقایع دست یابیم.

علل و عوامل دخیل در حوادث تاریخ از چنان درهم‌تنیدگی و پیچیدگی برخوردار است که همواره سبب‌ساز اختراق نظر در نگاه عالمان علم تاریخ و تاریخ‌نگاران شده است. این راه صعب و دشوار، در شناخت واقعی تاریخ چاره‌ای برای محقق و پژوهشگر پایبند به اصول علمی و حالی از انراش باقی نمی‌گذارد جز مطالعه همه‌جانبه و سرک‌کشیدن در لابه‌لای اسناد و نوشته‌های تاریخی.

به گمان ما فارغ از گرایشات و تمایلات و ذائقه‌های سیاسی، اسلامی در این فهم تاریخی نیست که «انقلاب اسلامی ایران» رویدادی شگفت‌آور و تأثیرگذار در تاریخ معاصر جهان بوده است. بی‌جهت نیست که در طول کمتر از چهار دهه آن که از شکل‌گیری و پیروزی آن انقلاب می‌گذرد، صدها کتاب و هزاران مقاله و سند تاریخی پیرامون آن منتشر شده و همچنان منتشر خواهد شد.

بی‌تردید یکی از راه‌های دستیابی به کُنه حوادث و وقایع انقلاب ایران، آگاهی از میزان نقش و دخالت بازیگران اصلی آن است. هرچند ممکن است خاطرات این دست‌اندرکاران خالی از خطاها، لغزش‌ها و گاه گزافه‌گویی‌ها نباشد، اما خواندن

خاطرات آن شخصیت‌ها پنجره‌هایی است به سوی روشنائی و از کنار هم قراردادن مجموعه آنها نقاط ابهام و تاریک بسیاری از رویدادها بر ما آشکار می‌شود.

دکتر ابراهیم یزدی که بی‌تردید یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار و بازیگران اصلی این رویداد عظیم تاریخی است، در مجموعه چندجلدی کتاب خاطرات خود کوشیده است تا بسیاری از ابهامات و کج‌فهمی‌ها را رفع و اصلاح کند و حوادث و وقایع را آنچنان که بوده، برای قضاوت مردم و آیندگان به تصویر کشد. به گونه‌ای که خواننده این خاطرات با خواندن آنها با او احساس همدلی می‌کند و بر صداقت در گزارش تاریخی او صحه می‌گذارد. اکنون جلد دوم این خاطرات تحت عنوان «هجده سال در غربت» پیش‌رو شماست.

انتشارات کریم خداوند را شاکر است که سرانجام توفیق انتشار این بخش از خاطرات بزرگ را صادق و فداکار «دکتر ابراهیم یزدی» را یافته است. با امید به آن‌که به زودی شاهد انتشار جلد سوم تحت عنوان «یکصد و هجده روز در نوفل لوشاتو» باشیم. ان شاء الله

هجده سال در غربت

به هر مجلس، به هر زندان، به هر شادی، به هر ماتم
به هر حالت که بودم با تو بودم میهن ای میهن
«ابوالقاسم لاهوتی»

مقدمه

۱. در شهریورماه سال ۱۳۳۱، تهران را به مقصد ماساچوست آمریکا، برای یک سفر کوتاه به منظور گذراندن یک دوره علمی تخصصی در «تغذیه و مواد غذایی» ترک کردم. باعث و مشوق این سفر، بیشتر از همه، دکتر اسماعیل بود. او که شاگرد اول دوره‌ی خود، در دانشکده دندانپزشکی شده بود، در سال ۱۳۳۴ برای گرفتن تخصص به هزینه‌ی دولت ایران به آمریکا (بوستون) رفت و تخصصش را در جراحی و آسیب‌شناسی فک و صورت از دانشگاه تافتس (Tufts) گرفت. من بی‌میل نبودم که برای دیدن جهان خارج سفر یا سفرهایی بروم. اما برادر، به سزای دولت رفته بود و مجرد بود و من در سال ۱۳۳۳ ازدواج کرده بودم و خداوند در فرزند، خلیل و سارا را به ما عطا فرموده بود. برادرم اصرار داشت من برای گرفتن Ph.D بروم و استدلال می‌کرد که می‌توانم در آنجا از کمک‌های تحصیلی دانشگاه استفاده کنم. اما من در رفتن به آمریکا یا اروپا، تردیدهایی دیگری نیز داشتم. یکی از دل‌نگرانی‌هایم، تعارض میان دو سیستم اجتماعی - فرهنگی متفاوت بود. براساس آنچه از اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آمریکا مطالعه کرده و پی برده بودم، کسانی که به چنان جامعه‌ای می‌روند، در هنگام ورود، ذهن‌شان به‌طور خود به خود، میان آن‌چه در جامعه‌ی ایرانی خود ما با آن‌چه در آن محیط وجود دارد مقایسه‌ای می‌کند. از جنبه‌های اخلاقی که بگذریم در بسیاری از این موارد، حاصل این مقایسه ذهنی رضایت خاطر به همراه

دارد، برای آن که مطلوب طبع است و مشکل چندانی برای فرد به وجود نمی آورد. اما وقتی همان فرد از آن جامعه به محیط قبلی خود، ایران، بازمی گردد، مقایسه ذهنی خود به خودی دومی صورت می گیرد که حاصل آن چندان مطلوب نیست. مگر آن که فرد مصمم به مهاجرت و اقامت در آن جامعه باشد یا برای مدت کوتاهی، تنها برای دیدار و کسب اطلاعات و تجارب کوتاه مدت برود و برگردد. این درگیری ذهنی مانع از آن شده بود که من در سفر به آمریکا جدی باشم. به همین دلیل وقتی به کمک و اقامات برادر، بخش تغذیه و مهندسی غذا (Nutrition and Food Eng) مؤسسه معرفت (Massachusetts Institute of Technology - MIT) در سال ۱۹۵۷ (۱۳۳۶) مرا با شرایط بسیار خوب به عنوان دانشجوی دوره دکتری تغذیه و مهندسی غذا پذیرفت اقدامی برای ترک آن نکردم. البته علت دیگری هم داشت و آن ممنوع الخروج بودن به علت فعالیت در نهضت مقاومت ملی، بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود. به همین علت به من حتی برنامه هم نمی دادند (در باره نهضت مقاومت ملی ایران به جلد اول خاطرات رجوع شود). در سال ۱۳۳۸ من با یک شرکت داروسازی به نام تولید دارو همکاری می کردم و تولید مهم و مؤثری داشتم. این شرکت امتیاز تولید فرآورده های دارویی شرکت های اروپایی و آمریکایی و توزیع آن ها را در ایران و کشورهای همسایه داشت. مدیریت شرکت می خواست من برای معرفی و فروش فرآورده ها از طرف شرکت به افغانستان و بحرین و سایر شیخ نشین ها سفر کنم. با کمک سرهنگ فاضل مدیر پرسنل شرکت تولید دارو مشکل گذرنامه ای من حل شد. او در حالی که مدیر پرسنل شرکت بود، در رکن ۲ رتبه کار می کرد و از ارتباطاتی که داشت استفاده کرد و گذرنامه مرا گرفت. اما برنامه سفر به این مناطق به سبب مشکلاتی که وجود داشت ممکن نشد.

در اوایل سال ۳۹ دکتر اسماعیل به اتفاق همسرش به ایران برگشت و مدتی در منزل ما در کوی کاخ پشت فرستنده رادیو تهران با ما زندگی می کرد. او مجدداً مرا به رفتن تشویق کرد. همسر من با رفتن به آمریکا مخالف نبود بلکه مشوق من هم بود. اما خودم هنوز دودل بودم. پدرم هم مخالف بود، علت مخالفتش هم خوابی بود که دیده بود. در همان روزهایی که من برای سفر خود را آماده می کردم خواب دیده بود که

من بر سر چشمه‌ای ایستاده‌ام و مردم مراجعه می‌کنند و من کوزه و ظرف آب آن‌ها را پر می‌کنم و به آن‌ها می‌دهم. اما ناگهان بیلی برداشتم و با خراب کردن دهانه‌ی چشمه، جریان آب را قطع کردم. تعبیر پدرم این بود که تو به خیلی‌ها کمک می‌کنی و رفتن تو آن‌ها را محروم می‌سازد. اما با حل مشکل گذرنامه وسوسه شده بودم. که بروم. بنابراین با MIT مجدداً مکاتبه کردم و آن‌ها هم بلافاصله جواب مثبت و مساعد دادند. من هم عزم را جزم کردم و بار سفر برستم.

تا آخرین روزهای خروجم از ایران ارتباط و همکاری خود را با دوستان نهضت مقاومت ملی و جبهه ملی دوم، که تازه فعالیت خود را از سر گرفته بود ادامه دادم، که شرح آن را در فصل اول آورده‌ام. در آخرین جلساتی که با این دوستان و همکاران داشتم، برنامه‌ی سفر را به اطلاع رساندم و از همه خداحافظی کردم. با بعضی‌ها هم نظیر آیت‌الله حاج سید رضا نجابتی، فروهر، آیت‌الله طالقانی، خصوصی خداحافظی کردم.

۲. ورود به آمریکا - در اواخر شهریور ۱۳۳۱ هـ. پیمای پان امریکن که در آن زمان یکی از مجهزترین و منظم‌ترین شرکت‌های واپیمایی بود، تهران را ترک کردم. در فرودگاه نیویورک که از ۱۹۶۲ به بعد به نام «جان اف کندی» خوانده می‌شود، به راحتی از بازرسی گذرنامه و گمرک عبور کردم و صبح همان‌روز با اتوبوس به مرکز شهر در خیابان ۳۴ رفتم و چون می‌خواستم چند روزی در نیویورک بمانم تا دوستان قدیمی را ببینم، در یکی از ساختمان‌های متعلق به «جوان مردان جوان مسیحی» معروف به YMCA اتفاقی گرفتم. انجمن مردان جوان مسیحی (Young Men's Christian Association)، یک مؤسسه غیرانتفاعی بود که خوابگاه‌های متعددی در بسیاری از شهرهای بزرگ، هم برای زنان و هم برای مردان جوان ایجاد کرده و با قیمت بسیار پایین به آن‌ها اجاره می‌داد. در آن سال اتاق تک‌نفره شبی ۲-۳ دلار بود، در مقایسه با شبی ۲۰-۲۵ دلار در یک هتل درجه ۲ خیلی مناسب بود. تمام امکانات، تسهیلات و خدمات لازم معمولی را هم داشت. قیمت غذاها به همین ترتیب ارزان‌تر از جاهای دیگر بود. چند شبی را در این مرکز، گذراندم، به این ترتیب برای اقامت چند روزه و موقت خوب و راحت بود. تنها چیزی که برایم ناراحت‌کننده بود

استحمام در حمام‌های عمومی و جمعی آن بود. در این مرکز اتاق‌ها فاقد حمام خصوصی بودند. دستشویی‌ها و حمام‌ها در هر طبقه و برای هرچند واحدی عمومی و همگانی بود. آمریکایی‌ها لخت و بدون ناراحتی در حضور یکدیگر حمام می‌گرفتند. شاید برای آنها این امر عادی شده بود. اولین بار که خواستم حمام بروم، حوله‌ای را مثل یک لنگ به خودم پیچیده بودم، جوانی که در همان موقع مشغول استحمام بود، رو کرد به من و گفت: چته؟ مگر از چیزی که داری شرمنده‌ای که آن را می‌پوشانی؟! از آن به بعد سعی می‌کردم کمتر در این مرکز حمام بروم و یا در ساعاتی حمام بروم که کسی در حمام نباشد.

در آن زمان دوستان قدیمی آقای جلال فخارزاده و محمد نخشب را دیدم. جلال فخارزاده را همدوره‌ای‌های برادرم دکتر کاظم در دبیرستان دارالفنون و پسر مرحوم لرزاده، باقی‌مانده معروف لرزاده در خیابان لرزاده در جنوب تهران است. او بعد از دبیرستان، به آمریکا رفت و بعد از پایان دوره دانشگاه در آنجا ماند، ازدواج کرد و اقامت گزید. اما به خلاف ادمت سالیان دراز در آمریکا، خلق و خوی خوب ایرانی، به‌خصوص عشق‌ورزی به هم‌طنان و صحبت‌کردن با آنها را هرگز از دست نداده است. او سال‌هاست که در یک شرکت بیمه معروف به نام "Life Insurance" کار می‌کند و یکی از بهترین و موفق‌ترین نمایران آن است و چندین بار جایزه‌ی طلایی بهترین مدیر را دریافت کرده است. اما برخلاف این موفقیت‌ها هم‌چنان انسانی افتاده و متواضع و مهربان است. او از کار خود هم‌سراسر لذت و آرامش می‌کند. شاید این یکی از رموز موفقیت‌های او باشد. وقتی به ایران رفتم روز بعد به دیدنم آمد و باهم سری به محل کارش زدیم و سپس به گردش در شهر پرداختیم. او روز بعد هم آمد و به اصرار او به گردش و قدم‌زنی در شهر و بازدید خاطرات گذشته پرداختیم. در آن روزها هوای نیویورک بسیار بارانی و طوفانی بود و بارانی بسیار تند می‌بارید و باد شدیدی می‌وزید. شدت بارش باران به حدی بود که بعضی از خیابان‌ها را آب گرفته بود. باد آن چنان شدید بود که چترها تاب تحمل آن را نداشتند و می‌شکستند. وقتی باران و باد تمام شد، ظرف‌های زیاله‌ی کنار خیابان معلو بود از چترهای شکسته‌ی مردم. این باران برای من هم بی‌زیان نبود. قبل از خروج از ایران، رستم چهارراه مخبرالدوله اول سعدی شمالی که بورس کفاشی‌های خوب تهران

بود یک جفت کفش خریدم که مجبور نباشم در آمریکا با دلار کفش بخرم. اما این کفش تاب تحمل باران نیویورک را نداشت و کف آن جدا شد. معلوم شد اگرچه زیر کفش یک ورقه نازک چرم انداخته بودند ولی زیر آن مقوا گذاشته بودند. آب باران موجب خیس شدن مقواها و جدا شدن کف کفش شده بود. بنابراین مجبور شدم، همان روزهای اول و دوم یک جفت کفش چرمی به مبلغ ۱۳ دلار بخرم.

با نخبش، که از سال‌های بسیار دور یکدیگر را می‌شناختیم، تلفنی تماس گرفتم او در همان محل اقامتم به دیدنم آمد و باهم به محل زندگی او رفتیم و پیرامون مسائل ایران و ضرورت اقدامات جمعی برای حمایت از مبارزات ملت ایران گفتگو کردیم. این گفتگوها و نتایج آن در فصل سوم، فعالیت‌های سیاسی - بخش اول تأسیس جبهه ملی، نسخه آمریکا آمده است.

۳. برنامه و هدف دوره ام این بود که طی یک سال یا حداکثر دو سال، دوره‌های مورد نظر را تمام کنم و به ایران برگردم. اما چنین نشد. سفرم نه یک سال یا دو سال بلکه هجده سال به طول انجامید و در نهایت در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷ پس از یک اقامت چهارماهه در نوفل لوشاتو به وطن بازگشتم. زندگی و فعالیت‌های من در طی این ۱۸ سال به سه دوره تقسیم می‌شود.

دوره اول، پنج سال - از شهریور ۱۳۳۹ (سپتامبر ۱۹۶۰) تا تیرماه ۱۳۴۴ (جولای ۱۹۶۴)

دوره دوم، ۲ سال - از تیرماه ۱۳۴۴ (جولای ۱۹۶۴) تا شهریور ۱۳۴۶ (اگوست ۱۹۶۶)

دوره سوم، یازده سال از شهریور ۱۳۴۶ (اگوست ۱۹۶۶) تا مهرماه ۱۳۵۸ (سپتامبر ۱۹۷۸)

۴. به دلایلی ادامه‌ی تحصیل در ام.آی.تی. بعد از یک ترم متوقف شد. ابتدا قصد داشتم بلافاصله به ایران برگردم. اما بنا به توصیه برخی از دوستان و تمایل شخصی ام از همسرم خواستم که به همراه فرزندانمان به آمریکا بیاید و بعد از اقامت یکساله همراه هم به ایران برگردیم. اگر چه همسر و فرزندانم به من ملحق شدند اما بازگشت ما به ایران میسر نشد. بنابراین ابتدا همکاری پژوهشی و آموزشی با دانشگاه

فرلی دیکنسون در نیوجرسی و سپس دانشکده پزشکی بیلور در هیوستون تگزاس را پذیرفتم. شرح فعالیت‌های علمی - تخصصی ام را در فصل اول آورده ام. برخلاف علاقه و دلبستگی عمیق به کار علمی و موفقیت‌هایی که در این فعالیت‌ها داشتم، نمی‌توانستم نسبت به آنچه در ایران می‌گذشت و مبارزات مردم بی تفاوت باشم. فعالیت سیاسی را جدای از فعالیت‌های فکری - اسلامی نمی‌دانستم. در فعالیت‌های اسلامی با نگاهی فرا ملی همکاری با مسلمانان غیر ایرانی از کشورهای مختلف را اساسی میدانستم. فعالیت‌های اسلامی در آمریکا را، چه در سطح قاره‌ای و چه در سطح محلی، برای حفظ هویت دینی - فرهنگی خود و خانواده ام، به خصوص فرزندان لازم می‌دانستم. شرح این فعالیت‌ها در فصل دوم آمده‌اند. فعالیت‌های سیاسی در فصل سوم، بخش بخش شامل: بخش اول جبهه ملی ایران - شاخه آمریکا؛ بخش دوم نهضت ملی ایران - خارج از کشور؛ بخش سوم سازمان مخصوص اتحاد و عمل (سماع)؛ بخش چهارم ارتباط با علمای نجف، بخش پنجم ارتباط با امام موسی صدر و شیعیان لبنان و بخش ششم ارتباط با فلسطینی‌ها شرح داده شده‌اند.

ایرانیان خارج از کشور در نسبت به ریدادهای داخل ایران بی تفاوت نبوده‌اند و همیشه و به طور دائم متاثر از رنج، درد هموطنان خود در داخل کشور و مبارزات آنان بوده و هستند و با استفاده از امکانات خارج از کشور از آنان حمایت کرده‌اند. در فصل چهارم این مجموعه بخشی از این همدلی و همدردی با ملت ایران در دوران ستم شاهی و استبداد سلطنتی آمده است. در فصل پنجم بخشی از برخوردها و واکنش‌های سازمان امنیت ایران با مبارزات ایرانیان خارج از کشور را به اختصار شرح داده‌ام.

این دفتر از خاطرات را نمی‌توانم بدون آن‌که از همراهی، همدلی همسر و هزینه‌هایی که به علت این فعالیت‌ها همسر و فرزندانم متحمل شده‌اند یاد نکنم. فصل ششم این دفتر به این امر اختصاص داده شده است.

خاطرات این هجده سال درد و دفتر آمده‌اند. دفتر اول در شش فصل به ترتیبی که در بالا به آن اشاره شد، دفتر دوم - که جداگانه تدوین شده است شامل نامه‌هایی است که طی ۱۸ سال با بیش از سیصد نفر از رهبران و فعالان جنبش در داخل و

خارج از کشور داشته ام. از جمله نامه هائی است از دکتر مصدق، آیت الله خمینی، مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، آیت الله بهشتی، آیت الله مطهری، رحیم عطایی، دکتر سید احمد صدرحاج سید جوادی، حجت الاسلام دعائی، حجت الاسلام هادی خسروشاهی، صادق قطب زاده، دکتر مصطفی چمران، مهندس محمد توسلی، دکتر غلامعباس توسلی، دکتر علی شریعتی، مهندس ابوالفضل بازرگان، دکتر فریدون سبحانی، پرویز امین، دکتر علی امین و....

۵. فزون و کنشگران سیاسی مورخ و تاریخ نویس نیستند، آنها تجارب و فعالیت‌ها، خود را گزارش می دهند. این وظیفه مورخ است که گزارش‌ها را جمع‌آوری کند و آنها را نظیر یک «مغز تصویری» در کنار هم قرار دهد، بررسی نماید و گزارشی جامع از رویدادهای عرضه کند.

در انتشار خاطرات این دوره (دفت اول و دفتر دوم - خاطرات) کوشش شده است تا آنجا که ممکن است فارغ و آزاد از تأثیر رویدادهای بعد از پیروزی انقلاب در داوری‌ها نسبت به اشخاص و رویدادها ارائه شوند.

امید و انتظار این است که صاحب‌بظران و سرداران این مجموعه را بخوانند و این نویسنده را از ارائه نقد و نظر محروم نسازند.

با امید به پیروزی نهایی ملت ایران در تحقق آزادی‌های، آزادی، عدالت و مردم‌سالاری.

- سر ابراهیم یزدی

بهار ۱۳۹۱